Review article

Ethical and Legal Mechanisms of Food Security in the Age of Technology: An Analysis of Government Commitments and the Role of International Organizations

***M. Mazdeh*[1], *M. M. Hosseinmardi Ph.D.*[2*]**

1. *Ph.D. Student, Department of Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.*
2. *Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, Payam Noor University, Tehran, Iran.*

Abstract

Background: Food security, as one of the fundamental pillars of human welfare and sustainable development, has become more important in today's world with challenges such as climate change, economic crises, military conflicts, and population growth. The right to food security should be recognized in important documents such as the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights and oblige governments to make commitments to protect, respect and guarantee this right. The moral dimensions of food security are such that its absence is not only a violation of human rights, but can also be a crime against humanity, and for this reason, international monitoring and enforcement mechanisms are necessary for the realization of this right. The purpose of this research is to examine the moral and legal mechanisms of food security in the age of technology and analyze the obligations of governments and the role of international organizations in this regard.

Conclusion: Recent reports by specialized organizations such as the Food and Agriculture Organization, the World Food Program and the Office of the High Commissioner for Human Rights show that food insecurity and global malnutrition are no longer simply a human challenge, but are considered a structural factor threatening sustainable peace, social justice and balanced global development. This research examines three fundamental aspects in the realization of global food security: first, transboundary obligations and human rights obligations of governments; Second, the role of international organizations in the regulation, monitoring and implementation of this right; and third, the link between the right to food and the sustainable development approach. The ultimate goal is to explain the position of food security as part of the legal mechanism of sustainable development, which is realized by relying on climate resilience, social justice and sustainable peace.

Keywords: *Commitments, International Organizations, Food Security, Sustainable Development*

***Corresponding Author:** Hosseinmardi MM. Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, Payam Noor University, Tehran, Iran. Email: mohammadmahdihoseinmardi@gmail.com

How to cite: Mazdeh M, Hosseinmardi MM. Ethical and legal mechanisms of food security in the age of technology: an analysis of government commitments and the role of international organizations. Ethics in Science and Technology. 2026;21(2): 25-33

Vol. 21, No. 2, 2026

Copyright © 2026 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

مقاله مروری توصیفی

سازوکارهای اخلاقی و حقوقی امنیت غذایی در عصر فناوری: تحلیل تعهدات دولت‌ها و نقش سازمان‌های بین‌المللی

مصطفی مزده[1]، دکتر محمد مهدی حسینمردی[2]*

۱.دانشجوی دکتری، رشته حقوق، گرایش حقوق بین الملل، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

۲.گروه معارف اسلامی، دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۲)

چکیده

زمینه: امنیت غذایی به عنوان یکی از ارکان اساسی رفاه بشر و توسعه پایدار، در دنیای امروز با چالش هایی مانند تغییرات اقلیمی، بحران های اقتصادی، درگیری های نظامی و افزایش جمعیت، اهمیت بیشتری یافته است. حق بر امنیت غذایی در اسناد مهمی مانند میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می بایست به رسمیت شناخته شود و دولت‌ها را ملزم به تعهداتی نسبت به حمایت، رعایت و تضمین این حق کند. ابعاد اخلاقی امنیت غذایی به حدی است که فقدان آن نه‌تنها نقض حقوق بشر ، بلکه می‌تواند جنبه جنایت علیه بشریت نیز پیدا کند و به همین دلیل مکانیزم‌های نظارتی و اجرایی بین‌المللی برای تحقق این حق ضروری است .هدف از انجام تحقیق حاضر بررسی سازوکارهای اخلاقی و حقوقی امنیت غذایی در عصر فناوری و تحلیل تعهدات دولت‌ها و نقش سازمان‌های بین‌المللی در این زمینه است.

نتیجه گیری: گزارش‌های اخیر سازمان‌های تخصصی مانند سازمان خواربار و کشاورزی، برنامه جهانی غذا و دفتر کمیسر عالی حقوق بشر نشان می‌دهد که ناامنی غذایی و سوءتغذیه جهانی دیگر صرفاً چالش انسانی نیست بلکه عاملی ساختاری در تهدید صلح پایدار، عدالت اجتماعی و توسعه متوازن جهانی محسوب می‌شود. این پژوهش سه وجه اساسی در تحقق امنیت غذایی جهانی را بررسی می‌کند: نخست، تعهدات فرامرزی و الزامات حقوق بشری دولت‌ها؛ دوم، نقش سازمان‌های بین‌المللی در قاعده‌سازی، نظارت و اجرایی‌سازی این حق؛ و سوم، پیوند میان حق بر غذا و رویکرد توسعه پایدار. هدف نهایی، تبیین جایگاه امنیت غذایی به‌عنوان بخشی از سازوکار حقوقی توسعه پایدار است که با اتکا بر تاب‌آوری اقلیمی، عدالت اجتماعی و صلح پایدار تحقق می‌یابد.

کلیدواژگان: تعهدات ، سازمان های بین المللی، امنیت غذایی، توسعه پایدار

سرآغاز

تأمین غذا و تغذیه مناسب از پیش شرط‌های توسعه و سلامت جامعه[1] است و عامل مهمی در برقراری شرایط ثبات، رفاه، صلح و امنیت بین‌المللی[2] است. بنابراین در بین اولویت‌های اهداف توسعه‌ای دستیابی به امنیت غذایی[3] از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است(۱). ناامنی غذایی از جمله عواملی است که در بسیاری از موارد می‌تواند با دامن زدن به بی ثباتی‌های سیاسی[4]، اقتصادی و اجتماعی شالوده‌های یک نظام سیاسی و اجتماعی را فرو ریزد. بدون تردید امنیت غذایی دارای ابعاد اخلاقی و انسانی است و برخورداری از غذای کافی نه تنها یک حق انسانی است بلکه محروم شدن افراد از آن به هر دلیل در حکم جنایت علیه بشریت[5] می‌باشد. امنیت غذایی سنگ بنای یک جامعه توسعه یافته و عنصر اصلی سلامت فکری، روانی و جسمی آن جامعه است.

ناامنی غذایی ذخیره سرمایه اجتماعی افراد مشمول آن و نیز معناداری هنجارها و ارزش‌های انسانی[6] و دینی را شدیداً تحلیل خواهد برد، دامنه انتخاب افراد را شدیداً محدود می‌کند و در بسیاری موارد حق انتخاب را از آنها می‌گیرد. در یک چنین شرایطی آنها نسبت به نوع نظام سیاسی اجتماعی و هنجارهای حاکم بر جامعه بی‌تفاوت خواهند بود و همچنین ضریب معناداری دیگر ارزش‌های ملی چون قلمرو سرزمینی و حفظ تمامیت ارضی، انسجام و وفاق ملی به عنوان برخی از مؤلفه‌های امنیت ملی نزد آنها کاهش می‌یابد. بنابراین چنین وضعیتی دولت را در برابر تهدیدهای سخت‌افزاری و نرمافزاری خارجی شدیداً شکننده و آسیب‌پذیر خواهد ساخت و مهمتر اینکه ناامنی غذایی که به نحوی دال بر ناکارآمدی نسبی یک نظام سیاسی اجتماعی می‌باشد، مقبولیت و مشروعیت آن را زیر سوال خواهد برد (۲).

نویسندهٔ مسئول: نشانی الکترونیکی : mohammadmahdihoseinmardi@gmail.com

امنیت غذایی، که در سطح جهانی به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر شناخته شده است، همچنان یکی از حیاتی‌ترین چالش‌های اخلاقی[۷] و انسانی قرن بیست‌ویکم محسوب می‌شود. گزارش‌های اخیر سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (۲۰۲۳)و برنامه توسعه ملل متحد (۲۰۲۴) نشان می‌دهند که دسترسی پایدار و همگانی به منابع غذایی نه تنها ضرورت زیستی، بلکه پیش‌شرط تحقق توسعه پایدار[۸]، ثبات اجتماعی[۹] و صلح جهانی[۱۰] است. در دهه اخیر، تأثیرات فزاینده بحران‌های اقلیمی، همه‌گیری کووید–۱۹، درگیری‌های مسلحانه و نوسانات بازار جهانی مواد غذایی باعث شده است مفهوم امنیت غذایی از بعد صرفاً تولید فراتر رفته و به مسئله‌ای چندبعدی حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی بدل شود(۳). در این راستا، برخی محققان (۴) در مقاله ای با تأکید بر نقش توسعه پایدار در بخش کشاورزی، به اهمیت همکاری‌های بین‌المللی و سیاست‌های چندجانبه برای افزایش امنیت غذایی اشاره نموده .

در دهه اخیر، فناوری‌های نوین هوش مصنوعی، پایش داده‌محور منابع طبیعی، کشاورزی دیجیتال و سامانه‌های «ردیابی زنجیره تأمین» نیز بُعد تازه‌ای از «امنیت غذایی فناورمحور» را پدید آورده‌اند. این تحولات در گزارش سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (۲۰۲۵) به‌عنوان جهت‌گیری اصلی آینده سیاست‌های تغذیه جهانی مطرح شده‌اند. در چارچوبی اخلاقی، «عدالت دیجیتال غذایی[۱۱]» به معنای تضمین دسترسی برابر کشورها و جوامع به فناوری‌ها و داده‌های کشاورزی، یکی از مصادیق نوپدید حق بر غذا تلقی می‌شود(۵ و ۶). بر اساس تعریف کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد (تفسیر عمومی شماره ۱۲، ۱۹۹۹)، امنیت غذایی زمانی به‌طور واقعی تحقق می‌یابد که همه افراد، در تمام اوقات، دسترسی فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی به غذای کافی، ایمن و مغذی داشته باشند و بتوانند نیازهای تغذیه‌ای و ترجیحات فرهنگی خود را برای داشتن زندگی فعال و سالم برآورده کنند.

این چارچوب در هدف دوم توسعه پایدار مصوب ۲۰۱۵ نیز تبیین شده و پایان دادن به گرسنگی و تضمین تغذیه مطلوب تا سال ۲۰۳۰ را هدف‌گذاری کرده است (۷). بااین‌حال، براساس ارزیابی‌های جدید سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد، احتمال دستیابی کامل به این هدف تا سال ۲۰۳۰ به‌دلیل استمرار درگیری‌های مسلحانه، تغییرات اقلیمی و نابرابری‌های اقتصادی جهانی، کمتر از ۳۵ درصد برآورد شده است. در پاسخ به این چالش، شورای حقوق بشر سازمان ملل و مجمع عمومی در سال ۲۰۲۴ بر ضرورت بازنگری تعهدات بین‌المللی کشورها در قبال امنیت غذایی تأکید کردند. مفهوم «همبستگی تغذیه‌ای جهانی[۱۲]» به‌عنوان تعهدی جمعی، چارچوب همکاری شمال–جنوب را برای مبارزه هماهنگ با گرسنگی بازتعریف کرده است. اسناد متعدد بین‌المللی و منطقه‌ای دولت‌ها را به تضمین این حق مکلف کرده‌اند. از مهم‌ترین این اسناد می‌توان به «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» (۱۹۶۶)، «منشور آفریقایی حقوق بشر و حقوق خلق‌ها» (۱۹۸۱) و «پروتکل الحاقی در خصوص حقوق زنان در آفریقا» (۲۰۰۳) اشاره کرد. مطابق ماده ۶۶ منشور آفریقایی، در صورت لزوم تدوین پروتکل‌های تکمیلی پیش‌بینی شده است. ماده ۱۵ پروتکل یادشده نیز صراحتاً به حق امنیت غذایی زنان می‌پردازد و در بند نخست خود دولت‌ها را مکلف می‌سازد تا دسترسی زنان به آب آشامیدنی سالم، منابع سوخت، زمین و وسایل تولید غذا را تضمین کنند. بند دوم نیز ایجاد نظام‌های کارآمد ذخیره‌سازی غذا را الزام‌آور می‌داند. با این حال، تفاسیر کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر عمومی شماره ۱۵ (۲۰۰۲) بر استقلال مفهومی دو حق بر آب و حق بر غذا تأکید کرده است(۸). امنیت غذایی، اگرچه ریشه در مفاهیم اخلاقی کلاسیک از حقوق بشر و مفهوم اجتماعی توسعه دارد، امروزه در پیوندی چندوجهی با ابعاد زیست‌محیطی، فناورانه و حکمرانی عمومی معنا پیدا می‌کند. در دهه‌های اخیر، با پیچیده‌تر شدن روابط اقتصادی جهانی، مفهوم حق بر غذا از تعهد ملی دولت‌ها فراتر رفته و به عنوان تعهدی جمعی در سطح بین‌المللی بازشناخته شده است. منشور ملل متحد، در مواد ۵۵ و ۵۶، بر ضرورت همکاری اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها برای ارتقای سطح زندگی، تغذیه و بهداشت عمومی تأکید دارد، و در پرتو همین اصول، جامعه بین‌المللی تلاش کرده است چارچوب‌های اجرایی مشخصی برای تحقق حق غذا طراحی کند. در این زمینه، «رهنمودهای داوطلبانه سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد برای تحقق حق برخورداری از غذا» از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی محسوب می‌شود که بر لزوم اتخاذ سیاست‌های ملی جامع، اصلاح نظام‌های زمین و قانون‌گذاری شفاف در حوزه توزیع منابع طبیعی تأکید دارد. این سند اگرچه الزام‌آور نیست، اما به‌عنوان مرجع نرم‌حقوقی نقشی بنیادین در شکل‌دهی به سیاست‌های جهانی ایفا کرده است. افزون بر آن، در «اعلامیه رم درباره امنیت غذایی جهانی» دولت‌ها متعهد شدند تا با بسیج منابع اقتصادی و ارتقای ظرفیت‌های تولیدی، گرسنگی را در سطح جهان ریشه‌کن کنند؛ اما داده‌های جدید نشان می‌دهد بخش قابل‌توجهی از این تعهدات هنوز به مرحله اجرا نرسیده است. در گزارش مشترک فائو و برنامه محیط‌زیست ملل متحد (۲۰۲۵) بر نقش داده‌های کشاورزی و فناوری‌های هوش مصنوعی در بهبود بهره‌وری تأکید شده است. اما تمرکز مالکیت فناوری در دست اقتصادهای پیشرفته، خطر ایجاد شکاف جدیدی در حوزه «عدالت تغذیه‌ای جهانی» را در پی دارد.

این مطالعه با هدف بررسی سازوکارهای اخلاقی و حقوقی امنیت غذایی در عصر فناوری و تحلیل تعهدات دولت‌ها و نقش سازمان‌های بین‌المللی در این زمینه شکل گرفت. سؤال اصلی بر آن است که تا چه اندازه تعهدات فرامرزی دولت‌ها و سازوکارهای سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند به تحقق امنیت غذایی جهانی بر پایه اصول توسعه پایدار کمک کنند و برای دستیابی به این مهم چه سازوکاهای مبتنی بر اخلاق و قانون در اختیار دارند؟ و بدنبال آن است که تقویت تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در زمینه حق بر غذا و هم‌افزایی سازمان‌های بین‌المللی، زمینه‌ساز تحقق پایدارتر امنیت غذایی در نظام حقوقی بین‌الملل خواهد بود.

بحث

مفهوم حق بر غذا

رویکرد غالب در زمینه حقوق بشر دیدگاهی اخلاقی است کـه خاسـتگاه حقوق بشر را منوط به حقوق طبیعی می‌داند و حقوق بشر[۱۳] را حق‌هایی می‌داند که به اشخاص به دلیل انسان بودن و برای حفاظـت از کرامـت انسانی و فاعلیت آنها تعلق می‌گیرد. یکی از این حقوق حق بر غذا است. حق بر غذا به معنی دسترسی مستمر، پایدار و بدون محدودیت است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به غذایی که هم از نظر کیفیت و کمیـت مناسب و مطابق با شرایط فرهنگی جامعه فرد مصرف‌کننده می‌باشد. به نحوی که زندگی او را در بعد روانی و جسمانی و سطوح فردی و جمعی تضمین کند و تأمین آن به میزان کافی، مناسب و بدون دغدغه باشـد.

حق بر غذا شامل حق یاری رساندن به فـردی اسـت کـه نمـی‌توانـد از خویشتن مراقبت نماید. البته این نکته در مورد حق بر غـذا بیشـتر حـائز اهمیت است که حق بر غذا حقی است که بر اساس آن هر فـرد بتوانـد تغذیه در شان خویش را داشته باشد. این حق همچنین شامل دسترسـی به منابع و ابزارهایی برای تأمین معیشت هر فرد نیـز مـی‌باشـد. مـوارد دیگر شامل دسترسی به زمین، امنیت و رفـاه، دسترسـی بـه آب و بـذر، اعتبارات، تکنولوژی و بازارهای محلـی و منطقـه ای و خصوصـاً بـرای اقشار آسیب پذیر و در معرض تبعـیض، دسترسـی بـه منـاطق قـدیمی ماهیگیری برای جوامع ماهیگیری که به این مناطق برای تأمین معـاش خویش وابسته‌اند، دسترسی به سطحی از درآمـد کـافی بـرای گـارگران شهری و روستایی که بتوانند افزون بر دسترسی بـه امنیـت اجتمـاعی و کمک‌های اجتماعی برای افراد بسیار محروم، زندگی در شأن خود داشته باشند.

حق بر غذا اولین بار در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح شـد. پس از آن در کنوانسیون های متعدد از قبیل کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹راجـع به رفتار با اسرای جنگی، کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ راجع به حمایـت از غیـر نظامیان در زمان مخاصمات، پروتکل اول و دوم الحاقی بـر کنوانسـیون های چهارگانـه ژنـو (۱۹۷۷)، کنوانسـیون حقـوق کـودک، کنوانسـیون وضعیت پناهنـدگان، کنوانسـیون اشـخاص بیتابعیـت، کنوانسـیون رفـع تبعیض علیه زنان، اساسنامه دیوان کیفری بـین المللـی و... مقـرر شـده است. در اهمیت این حق بس که نقض آن، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی توصیف شده است. صرف نظر از وجوه تمـایز میـان تعـاریف مختلف ارائه شده از حق بر غذا میتوان ایـن دیـدگاه فیلیـپ آلسـتون را پذیرفت که: تعریف حق بر غذا در چارچوب حقوق بشر بین‌المللـی از دو جزء حق بر غذای کافی و رهایی از گرسنگی تشکیل یافته است(۹).

مفهوم امنیت غذایی

منشأ فکری امنیت غذایی به بحران غذا در جهان در اوایـل دهـه ۱۹۷۰ بر می‌گردد(۱۰). در آغاز دهه ۱۹۷۰، تولید مواد غذایی در کشـورهای در حال توسعه کاهش یافت و باعث افزایش بی‌ثبـاتی و عـدم تعـادل بـین جمعیت و غذا در جهان شد. به دلیـل جلـوگیری از عواقـب وخـیم ایـن بحران کنفرانس جهانی غذا به ابتکار سازمان ملل متحد در سـال ۱۹۷۴ تشکیل شد که در آن به امنیت غذایی در سطح جهان و بـه تبـع آن در سطح دولت‌ها تأکید شد(۱۱). کنفرانس جهانی غذا در سال ۱۹۷۴ امنیت غذایی را چنین تعریف کرد: عرضه متمرکز کالاهای اساسی غـذایی بـه منظور بهبود مداوم مصرف غذا و خنثی کردن اثرات ناشـی از نوسـانات تولید و قیمت. توجه دقیق به این تعریف نشان می‌دهد که ابـزار عمـده تأمین امنیت غذایی عرضه مستمر کالاهای اساسی غذایی تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، این تعریف پاسخ مشکلات گرسنگی و سـوءتغذیه را در حوزه عرضه می‌بینند. در این کنفرانس اهداف بلند مدتی در نظـر گرفتـه شد و دولت‌ها متعهد شدند در یک دهه گرسنگی و سوء تغذیه را ریشه‌کن کنند . در دهه ۱۹۷۰ امنیت غذایی از دو جزء تشـکیل شـده بـود :

الف- دسترسی به غذا در سطح محلی، ملی و منطقه ای ب- اسـتحقاق غذا و توانایی افراد جهت به دست آوردن غذا؛ یعنی مردم به دلیل عرضه ناکافی غذایی گرسنه نیستند، بلکه آنها منابع کافی از جملـه پـول بـرای تهیه غذا ندارند.

مفهوم امنیت غذایی همواره با حق بر غذا پیوستگی داشته است و رابطه مستقیم و نزدیکی میان تحقق این دو مفهوم وجود دارد. به همین دلیل است که در اسناد بین‌المللی مختلف، این دو مفهوم بـه شـکل همزمـان مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ از جمله در اعلامیه «اجـلاس جهـانی غـذا». پس از پنج سال در ژوئن ۲۰۰۲، دولت‌های شـرکت کننـده در اجـلاس جهانی غذا ضمن تأیید مجدد اهمیت تقویت احترام به تمام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی از شورای فائو خواستند تـا یـک گـروه کـاری بـرای تعیین اصول راهنمای داوطلبانه تشکیل دهد که در راسـتای حمایـت از تلاش‌های دولت‌های عضو برای تحقق تدریجی حقوق بشر در چارچوب امنیت غذایی ملی تدوین شده باشد. بنابراین دولت‌های عضـو در قالـب این سند دغدغه‌های خود را در خصوص همسو نمودن تحقـق حـق بـر غذای کافی با امنیت غـذایی ملـی کـه در واقـع یکـی از عوامـل مهـم سیاست‌های غذایی دولت‌ها است، بیان نمودند. هدف مشترک دو مفهوم امنیت غذایی و حق بر غذا مبارزه با گرسنگی است. تفاوت این به عنوان یک هدف مطرح می‌شود که دو مفهـوم نیـز در ایـن اسـت کـه امنیـت غذایی اصول دولت‌ها مختارند آن را در سیاست‌های کلی خود بگنجانند و حصول این هدف نیز تابع اراده دولت‌ها بوده و لذا متفاوت خواهد بـود. اما حق بر غذا برای دولت‌های عضو میثاق بین‌المللی حقـوق اقتصـادی، اجتماعی و فرهنگی یک تعهد الزام آور حقـوقی ایجـاد مـی‌کنـد و ایـن دولت‌ها مکلف به تعیین حداقل‌های لازم برای تضمین رهـایی افـراد از گرسنگی و فراهم نمودن زمینه‌های تحقق تدریجی حق بر غذای کـافی افراد هستند. بنابراین تعهد دولت در حق بر رهایی از گرسنگی، فـوری و در حق بر غذا، تـدریجی و برنامـه‌ای اسـت. کمیتـه حقـوق اقتصـادی، اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۹۹۹ برای توضـیح ایـن مفـاهیم و ارائـه تعریفی از آنها تفسیر عمومی شماره ۱۲ را تصویب کرد، هر چند تفاسـیر عمومی کمیته از نظر حقوقی الزام آور نیستند، امـا بـه نحـو گسـترده‌ای مورد توجه و استناد قرار می‌گیرند(۱۲).

اسناد و بنیان‌های اخلاقی و هنجاری امنیت غذایی

امنیت غذایی در نظم‌های حقوقی بین‌المللی و منطقه‌ای، به‌عنوان یکی از مصادیق بنیادین حقوق اقتصادی[۱۴]، اجتماعی و فرهنگی، در قالب «حق بر غذای سالم، کافی و پایدار» تجلی یافته است. جامعه بین‌المللی متشکل از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی چندجانبه، طی پنج دهه گذشته، از طریق فرآیندهای قانون‌گذاری، نهادسازی و سیاست‌گذاری، به شناسایی، حمایت و ارتقای این حق انسانی مبادرت ورزیده است. مبانی حقوقی این فرآیند در متون ذیل تبلور یافته‌اند:

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)، به‌ویژه ماده ۱۱ آن، که دولت‌های عضو را متعهد می‌سازد تا در جهت تحقق تدریجی حق هر فرد به برخورداری از سطح زندگی شایسته، شامل غذا، پوشاک و مسکن مناسب، گام‌های لازم را اتخاذ کنند.

اعلامیه جهانی ریشه‌کنی گرسنگی و سوءتغذیه (۱۹۷۴)، نخستین سند سیاستی جامع در سطح جهانی، که تعهد دولتها به تضمین دسترسی همگانی به غذا را تأکید می‌کند.

اعلامیه رم درباره امنیت غذایی جهانی (۱۹۹۶)، که با ایجاد بسترهای همکاری مؤثر میان نهادهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، گامی محوری در نهادینه‌سازی مفهوم امنیت غذایی برداشت.

پیمان اصلاح نظام غذا و کشاورزی (۲۰۲۰)، به‌عنوان سندی با رویکرد عدالت‌محور، بر تحقق توازن تغذیه‌ای، پایداری منابع غذایی و مقابله با اسراف و نابرابری‌های ساختاری در نظام تغذیه جهانی تمرکز دارد.

در مجموع، این اسناد چارچوبی حقوقی و نهادی برای تفسیر، تضمین و اجرای حق بر غذا در سطح بین‌المللی فراهم آورده‌اند و دولت‌ها را مکلف می‌سازند تا با رویکردی مشارکتی و پایدار، امنیت غذایی را به‌عنوان تعهدی جمعی در نظام حقوق بشر معاصر تحقق بخشند.

پیش‌نویس «میثاق جهانی حق بر غذا» که در نشست رم (۲۰۲۵) زیر نظر فائو و شورای حقوق بشر در حال تدوین است و هدف آن تبدیل حق بر غذا به یک تعهد الزام‌آور فراملی است.پیمان اصلاح نظام غذا و کشاورزی (۲۰۲۰) که همکاری فرامرزی را در ایجاد توازن غذایی و مقابله با نابرابری‌های تغذیه‌ای تقویت می‌کند

برای تبیین ابعاد حقوقی امنیت غذایی، تفکیک میان دو مفهوم کلیدی ضروری است:

۱. حق رهایی از گرسنگی که ناظر بر تضمین حداقل سطح بقاء و تغذیه انسانی است؛ و

۲. حق بر غذا که مفهومی جامع‌تر شامل کیفیت، ایمنی، مقبولیت فرهنگی[۱۵] و تداوم دسترسی است (۶ و ۸).

این تمایز مفهومی در سیاست‌های ملی توسعه پایدار و در برنامه‌های همکاری فنی بین‌المللی نیز بازتاب یافته است و مبنای طراحی شاخص‌های ارزیابی حق تغذیه و امنیت غذایی در قرن بیست‌ویکم به شمار می‌رود.

اهداف استراتژیک برنامه جهانی غذا

برنامه جهانی غذا در سند راهبردی پنج‌ساله اخیر خود (۲۰۲۰–۲۰۲۵) پنج هدف کلیدی را دنبال می‌کند که به‌طور مستقیم با سیاست‌های بین‌المللی توسعه انسانی و مقابله با ناامنی غذایی هماهنگ است(۱۳) :

۱. نجات جان انسان‌ها و حمایت از معیشت در بحران‌های بشردوستانه و حوادث اقلیمی از طریق عملیات اضطراری هماهنگ، تأمین فوری مواد غذایی و پشتیبانی لجستیکی.
۲. پیشگیری از گرسنگی حاد و افزایش تاب‌آوری در برابر بلایای طبیعی، خشکسالی، جنگ و تغییرات اقلیمی از رهگذر سیاست‌های سازگاری و سرمایه‌گذاری در ظرفیت‌های محلی.
۳. بازسازی و بازتوانی جوامع آسیب‌دیده از جنگ و بحران‌های زیست‌محیطی از طریق برنامه‌های توسعه‌محور مبتنی بر توانمندسازی اقتصادی و دسترسی پایدار به منابع تولید غذا.
۴. کاهش گرسنگی مزمن و کمبودهای تغذیه‌ای، با تمرکز ویژه بر زنان، کودکان، و گروه‌های پرخطر، از طریق غنی‌سازی مواد غذایی، آموزش تغذیه‌ای و خدمات بهداشتی مکمل.
۵. تقویت ظرفیت‌های ملی در مهار گرسنگی از راه سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد، حمایت اجتماعی هدفمند، اصلاح زنجیره تأمین، و خرید محلی محصولات کشاورزی برای تقویت اقتصاد پایدار(۱۴).

این اهداف نه‌تنها بازتاب‌دهنده مأموریت بشردوستانه برنامه جهانی غذا در نجات جان انسان‌ها هستند، بلکه چارچوبی عملی برای انتقال از امدادرسانی کوتاه‌مدت به توسعه پایدار بلندمدت فراهم می‌کنند(۱۵).

ساختار مالی و مدیریتی برنامه جهانی غذا

عملیات‌های برنامه جهانی غذا اساساً مبتنی بر نگاهی خیرخواهانه است و از طریق کمک‌های بلاعوض و داوطلبانه دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌ها، بنیادهای غیردولتی و افراد نیکوکار تأمین می‌شود. در سال ۲۰۰۵ حجم اعانات این سازمان حدود ۲.۸ میلیارد دلار بود که تمامی کمک‌ها داوطلبانه محسوب می‌شدند(۱۶). سهم هزینه‌های اداری و اجرایی کمتر از ۷ درصد کل بودجه است — که یکی از پایین‌ترین نسبت‌ها در میان نهادهای امدادی بین‌المللی به‌شمار می‌رود(۱۷). در سال ۲۰۰۶، جوزت شیران شاینر ریاست برنامه جهانی غذا را برعهده گرفت و با اصلاح ساختار مالی، شفاف‌سازی فرآیند بودجه و ایجاد شاخص‌های استانداردسازی مانند شاخص ارزیابی نیازهای اضطراری زمینه تحول مدیریتی را فراهم ساخت. پس از او، دیوید بیزلی(۲۰۱۷–۲۰۲۳) و سپس سیندی مک‌کین جهت‌دهی جدیدی به سازمان دادند تا مفهوم «امنیت غذایی مقاوم در برابر بحران‌های اقلیمی» در محور برنامه‌ها قرار گیرد (۱۸). در فاصله سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳، بودجه سالانه برنامه جهانی غذا از مرز ۱۰ میلیارد دلار فراتر رفت و بیش از ۶۰ درصد آن به عملیات اضطراری در یمن، اتیوپی، سودان جنوبی، سوریه و اوکراین اختصاص

یافت. بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان مالی برنامه جهانی غذا شامل ایالات متحده، اتحادیه اروپا، آلمان و ژاپن بوده‌اند (۱۸).

تعهدات دولت‌ها در تحقق امنیت غذایی

تعهد دولت‌ها نسبت به حق بر غذا اساساً در ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی(۱۹۹۶) شناسایی شده است. این ماده، حق برخورداری از غذای کافی، ایمن و مغذی را به‌عنوان بخشی از کرامت انسانی به رسمیت می‌شناسد. بر این اساس، دولت‌ها موظف‌اند استانداردهای بهداشت غذایی را از تولید تا مصرف تضمین کرده و نظام‌های نظارتی برای پیشگیری از بیماری، آلودگی و دستکاری مواد غذایی برقرار کنند(۱۹).

کمیسیون حقوق بین‌الملل در تبیین مفاهیم تعهد به رفتار و تعهد به نتیجه تصریح می‌کند که در تعهدات بشری، به دست آوردن نتیجه مطلوب بدون اجرای فرآیندهای مناسب ممکن نیست . تحقق امنیت غذایی نمونه‌ای بارز از تعامل این دو نوع تعهد است؛ زیرا دستیابی به کاهش واقعی گرسنگی مستلزم اجرای پیوسته اقدامات رفتاری مانند سیاست‌گذاری، آموزش تغذیه‌ای، نظارت، و تخصیص منابع است(۲۰ و ۳). در حقوق تطبیقی نیز، اصطلاح «تعهد به بهترین تلاش» برای وصف رفتار لازم دولت‌ها در پیشبرد حق بر غذا به‌کار می‌رود. به‌عنوان نمونه، تدوین قانون ملی امنیت غذایی، سرمایه‌گذاری در اصلاح خاک و آب، و اجرای طرح‌های تغذیه مدارس، از مصادیق تعهد رفتاری دولت‌هاست(۲۱). در مقابل، کاهش نرخ سوءتغذیه، ریشه‌کن‌سازی گرسنگی و تضمین دسترسی عادلانه به غذای کافی، نمایانگر تحقق «تعهد نتیجه‌محور» است (۲۲).

در مجموع، برنامه جهانی غذا نه‌تنها بزرگ‌ترین نهاد تأمین غذا در بحران‌های بین‌المللی است، بلکه نقش راهبردی در پیوند دادن سیاست‌های امنیت غذایی با عدالت اجتماعی، تاب‌آوری اقلیمی و توسعه پایدار ایفا می‌کند. تحلیل‌های اخیر برنامه توسعه ملل متحد (۲۰۲۴) نیز تأکید دارد که آینده امنیت غذایی جهانی در گرو همکاری مؤثر میان دولت‌ها، نهادهای چندجانبه و جوامع محلی است – همکاری‌ای که بتواند میان امدادرسانی فوری و توسعه پایدار تعادلی ساختاری ایجاد کند.

مطابق ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دولت‌ها موظف‌اند برای تحقق تدریجی این حقوق از حداکثر منابع موجود خود استفاده کنند. این اصل مبنای نظری «تعهد به وسیله» را شکل می‌دهد. در مقابل، ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، دولت‌ها را بی‌درنگ به تضمین حقوق مقرر ملزم می‌کند و عنصر «امکانات موجود» در آن ذکر نشده است؛ امری که بیانگر «تعهد به نتیجه فوری» در حوزه حقوق مدنی و سیاسی است (۲۳).

در ارزیابی‌های جدید برنامه توسعه ملل متحد ۲۰۲۵ و کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل۲۰۲۴، امنیت غذایی به‌عنوان شاخصی تلفیقی از حقوق اقتصادی، سلامت عمومی و پایداری زیست‌محیطی در حال نهادینه شدن در چارچوب سیاست‌های جهانی حقوق بشر است. این نهادها تأکید دارند که تحقق پایدار امنیت غذایی مستلزم نوعی حکمرانی چندسطحی و همکاری ساختاری میان دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، بخش خصوصی و جوامع محلی است؛ همکاری‌ای که بتواند میان مداخلات اضطراری و راهبردهای بلندمدت توسعه، تعادلی کارکردی و مؤثر برقرار سازد. هدف از این رویکرد، ارتقای جایگاه حق بر غذا از سطح یک تعهد نظری و اعلامی به مرتبه یک حق اجرایی، عملی و قابل دادخواهی در نظام‌های ملی و بین‌المللی است.

بر این اساس، تمایز بنیادین میان دو میثاق بین‌المللی حقوق بشر، در ماهیت الزام‌آوری تعهدات دولت‌ها آشکار می‌شود: تعهدات ناشی از میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از جمله حق بر غذا، عمدتاً تدریجی و وابسته به ظرفیت‌ها و منابع ملی تفسیر می‌شوند؛ در حالی که تعهدات مندرج در میثاق حقوق مدنی و سیاسی، تعهداتی فوری و غیرمشروط‌اند(۲۴ و ۲۵). این تمایز، نشان‌دهنده چالش اساسی در گذار از شناسایی نظری حق بر غذا به تضمین عملی آن است؛ گذاری که تنها از طریق تقویت سازوکارهای نظارتی بین‌المللی، پاسخ‌گویی دولت‌ها و نهادینه‌سازی اصول عدالت اجتماعی در حکمرانی غذایی ممکن خواهد بود.

ملاحظات اخلاقی و تفسیری

از منظر اخلاق عمومی، هر تعهد سیاسی یا انسانی زمانی مشروع و الزام‌آور است که با توانایی واقعی اجرا همراه باشد. تحمیل تکلیفی فراتر از استطاعت فرد یا دولت، نه از منظر فلسفه اخلاق قابل پذیرش است و نه با اصول حقوق بشر همخوانی دارد. با این حال، تحولات معاصر حقوق بین‌الملل این اصل را بازتفسیر کرده و آن را در قالب «مسئولیت مشترک در قبال بشریت» گسترش داده‌اند. اسناد و تفاسیر نوین سازمان ملل متحد، به ویژه گزارشگر ویژه حق بر غذا در سال ۲۰۲۴ و بیانیه دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر در ۲۰۲۵، بر این تأکید دارند که دولت‌ها نمی‌توانند ناتوانی مالی یا نهادی را بهانه‌ای برای عدم تحقق حق بر غذا قرار دهند. آنها موظف‌اند از طریق همکاری‌های بین‌المللی، جذب کمک‌های فنی و اقتصادی و انتقال فناوری در زمینه کشاورزی پایدار، این کمبودها را جبران کنند تا هیچ نقضی در حق بر غذا، از منظر اخلاق و حقوق، قابل توجیه نباشد(۲۶). در این راستا، تمایز بین «تعهد به انجام عمل» و «تعهد به تدارک امکانات» نشان می‌دهد که دو نوع تعهد برای دولت‌ها قابل تشخیص است: تعهد به انجام عمل وقتی است که توان آن موجود باشد؛ و تعهد به تدارک امکانات الزام می‌کند تا دولت با به‌کارگیری همه ظرفیت‌ها و سرمایه‌گذاری برای افزایش توان عملیاتی خود، همواره در مسیر تحقق تعهدات قرار گیرد (۲۷ و ۲۲) . ماهیت حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مانند حق بر غذا مستلزم نقش فعال دولت در ایجاد زیرساخت‌ها و تأمین منابع است، بنابراین محدودیت منابع ممکن است موجب تأخیر در تحقق کامل و فوری این حقوق شود. در مقابل، حقوق مدنی و سیاسی که بیشتر بر خودداری از مداخلات غیرموجه دولت مبتنی است، کمتر با قید «به تناسب امکانات»

توجیه می‌شوند . با این حال، حتی در این حوزه، برخی جنبه‌ها مانند فراهم‌سازی زیرساخت‌های دادگستری یا تضمین آزادی بیان دیجیتال، به حمایت و منابع دولتی نیاز دارند(۲۸).

ماهیت ترکیبی حق بر غذا

حق بر غذا در جهان معاصر، مفهومی چندلایه و پویا یافته است؛ مفهومی که در بسیاری از ابعاد خود، جلوه‌ای از «تعهدِ نتیجه‌محور» را نشان می‌دهد. نخستین بُعد این تعهد، «تعهد به احترام» است؛ بدین معنا که دولت‌ها موظف‌اند از هر اقدامی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم مانع دسترسی افراد به غذا شود، پرهیز کنند. چنین تکلیفی، مسئولیت دولت‌ها را فراتر از سطح سیاست‌گذاری زبانی می‌برد و آن‌ها را در برابر پیامدهای تصمیمات اقتصادی، تجاری، محیط‌زیستی یا حتی قصور اداری خود پاسخ‌گو می‌سازد. در عرصه‌های پیچیده‌ای چون تضمین امنیت غذایی ملی، تحقق تعهد نتیجه‌محور، دیگر صرفاً در اختیار سیاست داخلی نیست؛ بلکه متأثر از نیروهای فراملی، از تغییرات اقلیمی گرفته تا تحریم‌های اقتصادی، بحران‌های ژئوپلیتیکی و نوسانات بازار جهانی است. گزارش‌های فائو (۲۰۲۵) و بانک جهانی (۲۰۲۴) آشکار می‌سازد که افزایش دمای زمین، کاهش منابع آب شیرین و گسترش وابستگی کشورها به واردات غذایی، به نحوی ساختاری، تحقق این تعهد را با چالش‌های حقوقی و اجرایی روبه‌رو کرده است. در همین راستا، گزارشگر ویژه حق بر غذا در گزارش سال ۲۰۲۵ خود این حق را «تعهدی تاب‌آور» توصیف کرده است؛ یعنی تعهدی که سنجش میزان وفاداری دولت‌ها به آن، نه در زمان ثبات که در لحظات بحران جلوه‌گر می‌شود. بدین‌سان، دولتی که فاقد ظرفیت مدیریت بحران، زیرساخت‌های داده‌محور اقلیمی و سیاست‌گذاری تغذیه‌ای پایدار است، عملاً در انجام این تعهد قصور ورزیده و می‌تواند در مراجع بین‌المللی و منطقه‌ای پاسخگو شناخته شود.

در برابرِ این تعهد، بُعد دوم یعنی «تعهد به حمایت» جایگاهی میان‌سطحی و ماهیتی ترکیبی دارد. دولت‌ها در این چارچوب وظیفه دارند نظام‌های حقوقی و نظارتی کارآمدی بنا نهند که امکان نقض حق بر غذا توسط اشخاص ثالث را به حداقل رساند. مقصود از اشخاص ثالث، صرفاً شهروندان یا نهادهای داخلی نیست، بلکه شرکت‌های چندملیتی تولید یا توزیع غذا، شرکای تجاری، نهادهای زنجیره تأمین جهانی و سرمایه‌گذاران بزرگ کشاورزی نیز در این طیف جای می‌گیرند(۳). کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیرهای عمومی خود تصریح می‌کند که «تعهد به حمایت» تنها به وضع قوانین بازدارنده محدود نمی‌شود، بلکه دولت‌ها باید از حیث نتیجه نیز اطمینان دهند که فعالیت‌های اقتصادی، چه درون‌مرزی و چه فرامرزی، موجب تضعیف امنیت غذایی یا تخریب منابع معیشتی نمی‌گردد.

در سال‌های اخیر، نمودهای عینی از عملیاتی شدن رویکرد حقوقی به امنیت غذایی در سطح بین‌المللی مشاهده شده است. بر اساس گزارش‌ها و سازوکارهای نظارتی سازمان ملل متحد، برخی شرکت‌های بزرگ فعال در حوزه کشاورزی که از طریق بهره‌برداری ناپایدار از منابع آبی و خاکی، منجر به تخریب زیست‌بوم‌های غذایی و از میان رفتن ظرفیت‌های معیشتی جوامع محلی شده‌اند، در زمره ناقضان غیرمستقیم حق بنیادین بر غذا شناسایی شده‌اند.

این رویکرد در «اصول راهنمای سازمان ملل درباره تجارت و حقوق بشر»، که در سال ۲۰۲۴ مورد بازنگری و به‌روزرسانی قرار گرفت، توسعه یافته و از رهگذر آن، سازوکار «پاسخ‌گویی غذایی داوطلبانه» به‌عنوان یکی از ابزارهای نوین نظارت بر رفتار شرکت‌های فراملی تثبیت شده است. بر مبنای این چارچوب، بیش از ۱۵۰ شرکت بین‌المللی موظف شده‌اند گزارش‌های دوره‌ای از آثار زیست‌محیطی، اجتماعی و حقوق بشری فعالیت‌های خود، به‌ویژه در ارتباط با زنجیره تأمین مواد غذایی، ارائه کنند.

در گام بعدی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در پیش‌نویس «میثاق جهانی حق بر غذا» (۲۰۲۵) پیشنهاد کرده است که تعهد دولت‌ها به حمایت از حق بر غذا، از محدودهٔ صلاحیت سرزمینی فراتر رود و در قالب تعهدات فرامرزی مورد شناسایی قرار گیرد. مطابق این دیدگاه، چنانچه اقدامات یا سیاست‌های تجاری، مالی یا زیست‌محیطی یک دولت منجر به اخلال در امنیت غذایی کشور دیگر شود، آن دولت واجد مسئولیت بین‌المللی خواهد بود.بر این مبنا، مفهوم نوپدید «تعهد ترانس‌مرزی حمایت از حق بر غذا» در حال نهادینه شدن در گفتمان حقوق بین‌الملل معاصر است؛ مفهومی که نه‌تنها قلمرو مکانی این حق را از محدوده مرزهای ملی فراتر می‌برد، بلکه آن را در چارچوب عدالت جهانی و توسعه پایدار بازتعریف می‌کند. این تحول، نمادی از گذار تدریجی نظم حقوقی بین‌المللی از منطق خودبسندگی اقتصادی به منطق همبستگی انسانی محسوب می‌شود؛ گذاری که می‌تواند مبنای تحکیم همکاری‌های جهانی برای تضمین حق بر غذا و صیانت از منابع مشترک زیستی گردد.

نتیجه‌گیری

رویکرد غالب در زمینه حقوق بشر دیدگاهی اخلاقی است که خاستگاه حقوق بشر را منوط به حقوق طبیعی می‌داند و حقوق بشر را حق‌هایی می‌داند که به اشخاص به دلیل انسان بودن و برای حفاظت از کرامت انسانی و فاعلیت آنها تعلق می‌گیرد. یکی از این حقوق حق بر غذا است که با مفهوم امنیت غذایی رابطه ای تنگاتنگ دارد و اغالب همراه هم در تمامی اسناد بین المللی به کار می روند. امنیت غذایی در قرن بیست‌ویکم، پیونددهنده حق بر زندگی، سلامت، محیط زیست، فناوری و توسعه پایدار است. این حق با توسعه مفاهیمی چون عدالت غذایی جهانی و امنیت غذایی فناورمحور، از سطح یک تعهد ملی به چارچوبی فراقومی و الزام‌آور جهانی ارتقا یافته است.

اسناد و نهادهای بین‌المللی، از میثاق‌های اقتصادی–اجتماعی گرفته تا نقشه‌های راه روشن برای گذار از تعهدات نرم‌قانونی به مسئولیت‌های سخت اجرایی، مسیر تحول را شفاف‌تر ساخته‌اند. امروزه، امنیت غذایی نه تنها به مثابهٔ معیاری کلیدی برای ارزیابی پاسخگویی حاکمیتی در

نظام بین‌الملل مطرح است، بلکه به یکی از اصول اساسی حکمرانی جهانی بدل شده که نادیده‌گرفتن آن برای هیچ دولتی و نهادی ممکن نیست.از این رو، تحقق حقیقی حق بر غذا منوط به بسیج و بازتعریف همکاری‌ها میان دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، بخش خصوصی و جامعه مدنی است؛ همکاری‌هایی که با عملگرایی، شفافیت و عدالت نسلی همراه باشد و از طریق تقویت سازوکارهای الزام‌آور، دسترسی پایدار و جهانی به غذا را به یک واقعیت غیرقابل کتمان مبدل سازد.

بنابراین، تحقق حق بر غذا مستلزم آن است که دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، بخش خصوصی و جامعه مدنی با عملگرایی، شفافیت و عدالت نسلی، همکاری‌های خود را بازتعریف کرده و از طریق تقویت سازوکارهای الزام‌آور، دسترسی به غذا را به واقعیتی جهانی تبدیل کنند.

ارتقاء امنیت غذایی پایدار همچنین مستلزم درک ژرفی است از اینکه حق بر غذا فراتر از چارچوب‌های محدود سیاست‌های اقتصادی است؛ این حق، تعهدی چندوجهی، شبانه‌روزی، حقوقی و اخلاقی دارد که تأثیرات فرامرزی و بین‌نسلی آن باید اساس تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در عرصه جهانی باشد. موفقیت در این مسیر پیچیده به همگرایی بی‌سابقه میان دولت‌ها، سازمان‌های چندجانبه و مشارکت فعال و معنادار جامعه مدنی بستگی دارد. تنها از رهگذر نهادینه‌سازی چنین همکاری جهانی، می‌توان تضمین کرد که دسترسی برابر به غذای کافی به یک ارمغان واقعی برای همه تبدیل شود، درحالی که این همکاری‌ها بنیادین‌ترین پایه‌ها برای حفظ صلح، عدالت اجتماعی و حرمت انسانی در این قرن پرچالش را می‌سازند.

حق بر غذا دیگر در عصر توسعه پایدار، صرفاً یک حق اجتماعی محدود نیست، بلکه به محور اصلی عدالت زیست‌محیطی و صلح جهانی بدل شده است؛ حقی که دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و جامعه مدنی باید در یک هارمونی مستمر آن را در کانون حکمرانی اقتصادی و اقلیمی قرار دهند.در مسیر تحقق این حق، گذار از الگوهای سنتی کمک‌رسانی به سوی الگوهای نوین تاب‌آور و پایدار ضروری است؛ الگویی که نه تنها بقای جسم و جان انسان را تضمین می‌کند، بلکه پاسدار کرامت، برابری و آینده‌ای مشترک برای بشریت در پرتو نظام‌های حقوق بین‌الملل خواهد بود، الگویی که بشریت را به راهی روشن‌تر و انسانی‌تر در پیش روی جهانیان می‌کشاند.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت‌داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

1- Community Development and Health	توسعه و سلامت جامعه
2- International Security	امنیت بین الملل
3- Food Security	امنیت غذایی
4- Political Instability	بی ثباتی سیاسی
5- Crime Against Humanity	جنایت علیه بشریت
6- Human Values	ارزشهای انسانی
7- Ethical Challenges	چالشهای اخلاقی
8- Sustainable Development	توسعه پایدار
9- Social Stability	ثبات اجتماعی
10- World Peace	صلح جهانی
11- Digital Food Justice	عدالت دیجیتال غذایی
12- Global Nutrition Solidarity	همبستگی تغذیه ای جهانی
13- Human Rights	حقوق بشر
14- Economic Rights	حقوق اقتصادی
15- Cultural Acceptance	مقبولیت فرهنگی

References

1. Ajlali MR. Dimensions of food security in Iran's development policies. Tehran: Development Studies Research Institute.2007. (In Persian).
2. Khezri M. Food security and national security. 2nd ed. Tehran: Institute of Economic Research and Agricultural Development. 2006. (In Persian).
3. Di Schutter O. The case for food justice: international law and economic inequality. 1st ed. London: Routledge. 2020.
4. Mahdavi Damghani A, Moein-Aldini SS. Food Security and Bioethics in Sustainable Agriculture. Ethics in Science and Technology 2011; 6 (2) :65-72 . https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22517634.1390.6.2.7.2
5. Abedi Sarvestani A. Explanation of agricultural ethics. Ethics in Science and Technology 2015; 10 (1): 73-84.
6. Eide A. The right to adequate food and human rights principles, report to the un sub-commission on human rights. UN. Committee on Economic, Social and Cultural Rights (20th sess: 1999: Geneva)
7. United Nations Development Programme. Global human development report: food systems, equity and resilience, New York. 2025.
8. Gloay C. The right to food and access to justice: example at the national regional and international levels. Food and Agriculture Organization of the United Nations, Rome. 2009.
9. Elver H. Right to food. Journal of Agricultural and Environmental Ethics 36(4):1-14. https://doi.org/10.1007/s10806-023-09916-8
10. Wegren SK. Challenges to global food security: A policy approach to the 2021–2022 food crisis. World Food Policy, 2023; 9(1): 127-148. https://doi.org/10.1002/wfp2.12057
11. Mobini Dehkordy A. Selecting the best strategic option for Iran's food security A new approach. Agricultural Economics and Development, 2005; 13(2): 15-35. https://doi.org/10.30490/aead.2005.128572
12. Akbari P. The right to food in the international legal system. [M.A. thesis]. Tehran: Shahid Beheshti University. 2011. (In Persian).

13. Lele U, Goswami S. The World Food Programme. In Food for All: International Organizations and the Transformation of Agriculture (pp. 849–918). Oxford University Press. 2021. https://doi.org/10.1093/oso/9780198755173.003.0013
14. Torto N M, Brownell K D. (2020). Role of food aid and assistance in addressing the double burden of malnutrition in Ghana: A qualitative policy analysis. BMJ Nutrition, Prevention & Health, 2020; 3(2): 196–204. https://doi.org/10.1136/bmjnph-2020-000136
15. World Food Programme (WFP). WFP's strategy to improve diets and address malnutrition 2024–2030. World Food Programme. 2024.
16. Reinsberg B. (2023). Earmarked funding and the performance of international organizations: Evidence from food and agricultural development agencies. Global Studies Quarterly, 2023; 3(4). https://doi.org/10.1093/isagsq/ksad056
17. Heinzel M, Reinsberg B, Siauwijaya C. Tracking earmarked funding in international organizations: Introducing the earmarked funding dataset. Review of International Organizations, 2024; 19. https://doi.org/10.1007/s11558-024-09548-1
18. Alesani D, Jensen G, Steccolini I. IPSAS adoption by the World Food Programme: An application of the contingency model to intergovernmental organisations. International Journal of Public Sector Performance Management, 2012; 2(1): 61–80.
19. Adejumo A. Assessing the effectiveness of government policies in achieving food security goals. Journal of Food Science and Nutrition, 2025; 8(2): 286. https://doi.org/10.35841/aajfsn-8.2.286
20. Burgaz C, Van-Dam I, Garton K, et al. Which government policies to create sustainable food systems have the potential to simultaneously address undernutrition, obesity and environmental sustainability? Globalization and Health, 2024; 20: 56. https://doi.org/10.1186/s12992-024-01060-w
21. Guliyev E, Atashov B, Guliyeva A. Role of government policy in food security: Economic and demographic challenges. Problems and Perspectives in Management, 2024; 22(2): 488-501. https://doi.org/10.21511/ppm.22(2).2024.38
22. Pérez-Escamilla R, et al. Food security and the 2015–2030 Sustainable Development Agenda. Public Health Nutrition, 2017; 20(7): 1179–1188. https://doi.org/10.1017/S1368980016002979
23. Duncan J, Springmann M. Politicizing food security governance through participation: opportunities and opposition. Food Security, 2018; 10: 1411–1424. https://doi.org/10.1007/s12571-018-0852-x
24. Mozaffarian D, Angell S Y, Lang T, Rivera J A. (2018). Role of government policy in nutrition—barriers to and opportunities for healthier eating. BMJ, 2018; 361. https://doi.org/10.1136/bmj.k2426
25. Hussain M A, et al. Sustainable food security and nutritional challenges. Sustainability, 2025; 17(3): 874. https://doi.org/10.3390/su17030874
26. Fanzo J. Ethical issues for human nutrition in the context of global food security and sustainable development. Global Food Security, 2015; 7: 15–23. https://doi.org/10.1016/j.gfs.2015.11.001
27. Balan I M, Trasca T. Claiming food ethics as a pillar of food security: Insights from the Romanian context. Foods, 2026; 15(2): 255. https://doi.org/10.3390/foods15020255
28. Cruz D. The ethics of food sovereignty: discourses for transformative social change and community development practices by peasant movements. Community Development Journal, 2022; 58(1): 64–78. https://doi.org/10.1093/cdj/bsac034